توضیح و پاسخ به مقالات آقایان دکتر ابراهیم یزدی و سلیمی نمین

جهادسازندگی ؛ از جنبش تا نهاد

محمدحسین بنی اسدی*

▼بنی اسدی به همراه تنی چند از همکاران در دوران مسئولیت در نخست وزیری

آقای دکتر ابراهیم یزدی در مقاله‌ای تحت‌عنوان فانتزی انقلابی (دیدار با فیدل کاسترو) که در سالنامه شرق، شماره ۲، سال ۱۳۸۴، صفحه ۱۹، به چاپ رسیده است، ضمن تشریح سفر خود به کوبا و ملاقات با فیدل کاسترو و بیان چگونگی پیروزی انقلاب ایران و خارج شدن از سنتو و پیوستن ایران به جنبش کشور غیرمتعهدها، درباره چگونگی تشکیل جهادسازندگی نیز مطلبی مطرح فرموده‌اند که احتیاج به توضیح و تصحیح دارد. آقای عباس سلیمی‌نمین نیز در پاسخ خود به مقاله مذکور در شرق مورخ ۱۳۸۵/۲/۲ با تاکید بر سهو یا اشتباهی که در مقاله مذکور رخ داده است، استنباط‌ها و نتایجی را مطرح فرموده‌اند که به نظر اینجانب آنها هم نیازمند تذکر و تصحیح است. اینجانب در سال ۱۳۵۸ به عنوان معاون نخست‌وزیر در امور همکاری‌های مردمی، طرح جهاد سازندگی را در تاریخ ۵۸/۲/۲۷ به کنفرانس استانداران ارائه کردم و سپس به اتفاق آقای دکتر یزدی در جلسه‌ای در اواسط خرداد ۵۸ در قم و با حضور مرحوم سیداحمد خمینی، خدمت امام‌خمینی(ره) ارائه کردیم. لذا لازم می‌دانم توضیح کوتاهی در مورد چگونگی تشکیل جهاد سازندگی برای روشن‌تر شدن جریان امر بدهم. ۱- پس از پیروزی انقلاب، جوانان، به ویژه دانشجویان، سرشار از شور و هیجان برای خدمت و تغییر و دگرگونی در اوضاع جامعه بودند. در فروردین ماه ۱۳۵۸، عصرهای جمعه جلساتی با شرکت دانشجویان در نخست‌وزیری تشکیل می‌شد و مسائل مهم کشور و چگونگی مشارکت جوانان در حل مسائل مذکور از جمله عمران و رفع محرومیت از روستاها مطرح می‌شد. آقای دکتر یزدی در این دوره معاونت نخست‌وزیر در امور انقلاب را به‌عهده داشته و تشکیل و اداره این جلسات را عهده‌دار بودند. این جلسات در یکی از سالن‌های بزرگ طبقه دوم یا سوم نخست‌وزیری تشکیل می‌شد و چون تعداد دانشجویان نسبتاً زیاد بود، همه روی زمین نشسته و در فضای دوستانه و صمیمانه مسائل مختلف را با روحیه نقد و انتقاد و آمادگی برای اصلاح و تغییر مطرح می‌کردند. به‌عنوان مثال به‌خاطر می‌آورم که در یکی از این جلسات یکی از دانشجویان گزارش مفصلی از تحقیقاتی را که درباره نیروگاه اتمی بوشهر انجام شده بود به حاضرین ارائه داد و در آن به تفصیل شرح داد که چگونه نیروگاه اتمی مذکور موجب تخریب محیط‌زیست بوشهر و خلیج‌فارس خواهد شد و موجب از بین رفتن موجودات دریایی و ماهیان خواهد شد و (با توجه به ذخایر عظیم نفت و گاز کشور) ساختن نیروگاه مذکور را به صلاح کشور ندانسته و پیشنهاد می‌کرد که پروژه مذکور باید متوقف شود. تکمیل و راه‌اندازی نیروگاه مذکور که قرار بود در همان سال‌ها صورت پذیرد، در جو انقلاب و احساس آن روزگار متوقف شد. البته پس از آن، سال‌ها گذشت تا مفیدبودن طرح مورد تائید مجدد قرار گرفت و سرمایه‌گذاری‌های عظیمی برای جبران خسارات، آماده‌سازی مجدد و ادامه و تکمیل آن صورت پذیرفت، با امید به آنکه بالاخره روزی به بهره‌برداری برسد. پس از انتصاب آقای دکتر یزدی به سمت وزیر امور خارجه، مشارکت اینجانب در سمت معاون نخست‌وزیر در امور همکاری‌های مردمی در جلسات عصرهای جمعه با دانشجویان ادامه یافت. همان‌طوری که اشاره شد، جوانان پر از شور و هیجان و آماده برای فداکاری و ایثار در راه کمک به همنوعان و هموطنان در هر زمینه ازجمله رفتن به نقاط دوره‌افتاده و محروم کشور و همکاری و مشارکت در عمران و بهبود زندگی هموطنان بودند و احتمالاً حرکاتی را نیز در این راستا به‌طور پراکنده صورت داده بودند. معاونت نخست‌وزیر در امور همکاری‌های مردمی در این دوره که تقریباً از اوایل اردیبهشت ۱۳۵۸ آغاز می‌شد تهیه طرح‌های مختلفی را برای تغییر و تحول و سازماندهی با همکاری و مشارکت مستقیم جوانان و مردم تهیه کرد. این معاونت ازجمله طرح‌های تشکیل صندوق ملی ترمیم خسارات دوران انقلاب که ایده اولیه آن را خود مرحوم مهندس بازرگان مطرح ساختند، طرح احیای مساجد، طرح صندوق‌های قرض‌الحسنه، شوراهای شهر و شهرستان و بالاخص طرح جهاد برای سازندگی را با همکاری آقای مهندس خسرو رحیم‌قشقایی تهیه و به اولین کنفرانس استانداران کشور در تاریخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۸ پیشنهاد کرد. نام جهاد برای سازندگی به‌وسیله اینجانب براساس مطالعات دانشگاهی همان سال‌ها درباره توسعه و تحول اجتماعی از دیدگاه سیستمی، انتخاب و با نظر یکی از دوستان به‌طور خلاصه به صورت «جهاد سازندگی» پیشنهاد شد. روزنامه اطلاعات مورخ پنجشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۸ (شماره ۱۵۸۵۶) در صفحه اول و به‌عنوان تیتر اول خود گزارش طرح جهادسازندگی در سراسر کشور در کنفرانس استانداران که به‌وسیله معاون نخست‌وزیر (در امور همکاری مردم و دولت) پیشنهاد شده بود را به شرح زیر به اطلاع عموم رسانید: «... معاون نخست‌وزیر در امور همکاری‌های انقلابی صبح امروز در کنفرانس استانداران کشور طرح‌های انقلابی ایجاد صندوق ترمیم خسارات (دوران) انقلاب، «جهاد برای سازندگی»، احیای مساجد به عنوان ارگان‌های زنده در هر محل و تغذیه‌کننده شوراهای شهر و شهرستان و ایجاد صندوق‌های قرض‌الحسنه را تشریح کرد. مهندس بنی‌اسدی در زمینه طرح انقلابی جهاد برای سازندگی اظهار داشت: این طرح که نیاز فوری به همکاری مبتکرانه دولت و استانداران دارد در مدت کمی چهره روستاهای کشور را تغییر می‌دهد. اگر اولیای دانشگاه‌ها صلاح ببینند و موافقت کنند می‌توان از نیروی عظیم دانشجویان و کادر آموزشی دانشگاه‌ها بهره گرفت و با توجه به شرایط اقلیمی و فرهنگی و نیازهای مختلف کشور به ایجاد دگرگونی اساسی در راه سازندگی روستاها اقدام کرد.» یکی از مبانی این حرکت یا نهضت این بود که محبت و همبستگی را مبنای وحدت مردم قرار دهد، نه تنفر و تضاد را. در طول تاریخ متحدکردن مردم از طریق تبلیغ علیه یک دشمن مشترک و تقویت حس تنفر مردم نسبت به آن دشمن به کرات رخ داده بود. فلسفه جهادسازندگی براساس دوستی و محبت نسبت به هموطنان محروم و ضرورت یاری رساندن به آنان و ایجاد ارتباط و تعامل بین شهرهای بزرگ و روستاهای محروم و نیل به وحدت در راستای تحقق این هدف بود. روزنامه اطلاعات مورخ ۲۷ اردیبهشت ۵۸ هدف‌های جهاد سازندگی را با توجه به آنچه در کنفرانس استانداران مطرح شده بود به شرح زیر گزارش داد: «وحدت‌بخشیدن به نیروهای مشتاق و پرشور داوطلب کار، به‌خصوص دانشجویان، دانش‌آموزان، دیپلمه‌ها و افراد بیکار، هدایت ایشان جهت سازندگی بعد از انقلاب و جلوگیری از هرز رفتن و انحراف این نیروها، ایجاد ارتباط بین مستضعفین و گروه‌های متفکر» اعلام می‌دارد. نحوه سازماندهی و ویژگی‌های این طرح نیز در کنفرانس مذکور مطرح و به‌وسیله همان شماره روزنامه اطلاعات جهت اطلاع مردم به شرح زیر گزارش شد:

۱- سازماندهی طرح بایستی از اصل عدم تمرکز و استقلال و خوداتکایی واحدهای اجرایی برخوردار باشد.

۲- در کلیه سطوح مختلف این سازمان مشارکت کلیه قشرهای جامعه برای همکاری جلب شود.

۳- مدیریت طرح براساس مفاهیم مدیریت درونی باشد. بدین لحاظ باید در کلیه سطوح شوراها نقش اصلی را داشته باشند.

۴- غیر بوروکراتیک بودن طرح.

۵- مردمی بودن منابع مالی (حتی‌الامکان).

۶- هماهنگی فعالیت‌ها و پروژه با سیاست‌ها و خط مشی‌های دولت.

۷- داوطلبانه بودن و افتخاری بودن مشارکت در فعالیت‌های طرح، دوش به دوش روستاییان و مردم.

۸- سازماندهی طرح به صورت غیر متمرکز و تحت نظر شوراهای جهادسازندگی در سطح شهر و شهرستان و منطقه.

پس از ارائه طرح جهاد برای سازندگی به کنفرانس استانداران و تائید کلی نخست‌وزیر دولت موقت، مرحوم مهندس بازرگان، از آقای دکتر یزدی که مناسبات نزدیکی با امام‌خمینی(ره) داشتند خواهش کردم درخواست ملاقات کنند تا در جلسه‌ای طرح را به نظر ایشان رسانده درخواست تصویب و اعلام عمومی آن را بکنیم. این ملاقات با اندکی تاخیر در حدود دهم تا پانزدهم خرداد ۱۳۵۸ در قم صورت گرفت و در جلسه‌ای با حضور مرحوم آقای سیداحمد خمینی و آقای دکتر ابراهیم یزدی خدمت امام (ره) ارائه و پیام مختصری که روی یک صفحه تایپ شده بود همراه توضیحات تقدیم ایشان شد. ایشان ضمن تائید طرح روی یک موضوع تاکید کردند و فرمودند که برای جلوگیری از نفوذ عوامل غیر مطمئن و مخرب به درون این حرکت چه فکری کرده‌اید و خواستند که در این مورد دقت شود. پس از حدود ۱۰ روز از ملاقات مذکور، امام‌خمینی(ره) طی پیام رادیویی در تاریخ ۲۶ خرداد ۱۳۵۸ ضرورت و آغاز فعالیت جهاد سازندگی را اعلام فرمودند و بلافاصله معاونت نخست‌وزیر در امور همکاری (مردم و دولت) اقدام به تشکیل و اعلام رسمی دفتر جهادسازندگی که مقدمات آن از قبل فراهم شده بود، کرد. روزنامه اطلاعات در شماره دوشنبه ۲۸ خرداد ۱۳۸۵ (شماره ۱۵۸۸۲) در صفحه اول خود اعلام داشت: «دفتر جهاد سازندگی در تهران ایجاد شد. ستاد مرکزی جهاد سازندگی در نخست‌وزیری زیر نظر معاون نخست‌وزیر در امور همکاری‌های مردمی قرار دارد.» در پی تشکیل دفتر مرکزی جهادسازندگی در خیابان پاستور در نزدیکی ساختمان نخست‌وزیری کانون فارغ‌التحصیلان مستقل دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی در ۲۹ خرداد اعلام آمادگی برای همکاری در جهادسازندگی کرد و همزمان گروه‌های عظیمی از دانشجویان، کارکنان سازمان‌ها، ادارات و سازمان‌های مختلف آمادگی خود را برای همکاری اعلام داشتند. بلافاصله پس از صدور پیام امام(ره) از دفتر مرحوم دکتر بهشتی ضمن تماس تلفنی با دفتر معاونت نخست‌وزیر در امور همکاری نماینده امام در جهادسازندگی، آقای علی‌اکبر ناطق نوری معرفی شده و برای ملاقات با نخست‌وزیر مرحوم مهندس بازرگان و آغاز کار ایشان وقت تعیین شده بود. در همین اثنا حکم مسئولان جهاد سازندگی در ۲۳ استان به‌وسیله معاونت نخست‌وزیر در امور همکاری‌های مردمی صادر شد و فعالیت جهادسازندگی عملاً در سراسر کشور آغاز شد. تا آنجا که به یاد دارم و می‌دانم آقای مهندس امان‌پور از شرکت‌کنندگان جدی و پیگیر جلسات روزهای جمعه در نخست‌وزیری و همچنین آقای مهندس سیدجعفر مرعشی بودند. متاسفانه پس از استعفای دولت موقت، جهادسازندگی که به صورت یک نهضت و جنبش داوطلبانه و خودجوش طراحی و ایجاد شده بود، به یک وزارتخانه رسمی تبدیل شد. این امر از یک سو باعث شد که جنبش جهاد سازندگی به یک نهاد و سازمان و بوروکراسی تبدیل شود و از سوی دیگر به‌علت تشابه فعالیت‌های آن با فعالیت سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی دیگر با آنها تضاد و تعارض پیدا کرد و موجب اخلال در انجام وظایف آنها شد. بالاخره پس از حدود ۲۰ سال هر چند با ادغام وزارت جهادسازندگی در وزارت کشاورزی به این تضاد و تعارض تا حدودی پایان داده شد، روح جهادسازندگی احیا نشد.

۲- با توجه به مطالب فوق که به‌طور مستند در روزنامه‌های اردیبهشت و خردادماه سال ۱۳۵۸ موجود است (ازجمله روزنامه اطلاعات شماره‌های ۲۷ اردیبهشت و ۲۸ خرداد ۱۳۵۸ با شماره‌های ۱۵۸۵۶ و ۱۵۸۸۲)، مسلماً آقای دکتر یزدی به‌علت گذشت زمان دچار سهو یا اشتباهی درباره تاریخ تشکیل جهاد سازندگی و ارتباط آن با مسافرت ایشان به کوبا شده‌اند. در این مورد آقای دکتر یزدی به اینجانب چنین توضیح دادند که بحث تجربه کوبا شد نه در کوبا، بلکه در ایران توسط آقای اسکیول یکی از وزرای دولت کوبا و رئیس هیات نمایندگی اعزامی کوبا به ایران بعد از انقلاب اسلامی در اسفند یا فروردین ۱۳۵۸ مطرح شده بود و ایشان همان زمان موضوع را در یکی از جلسات روزهای جمعه با جوانان عنوان کرده بودند.

۳- جناب آقای عباس سلیمی‌نمین در پاسخ خود به آقای دکتر یزدی در روزنامه شرق، مورخ ۱۳۸۵/۲/۲، اشتباه قابل اغماضی که آقای دکتر یزدی در تاریخ اتفاقات و جزئیات وقایع کرده‌اند را پایه و مبنایی قرار داده‌اند تا کل شکل‌گیری اندیشه جهاد سازندگی و نقشی که ایشان و دولت موقت در ایجاد و راه‌اندازی آن داشتند مورد تردید قرار دهند. آقای سلیمی‌نمین تنها مستند خود را جمله‌ای قرار داده‌اند که یکی از دانشجویان در جریان یک گفت‌وگوی دوجانبه بین دانشجویان و امام(ره) در ۱۳۸۳/۳/۲۳ اظهار داشته است. که این جمله به هیچ‌وجه مغایر با مطالب تشریح شده در فوق نیست، بلکه موید آنها است. آقای سلیمی‌نمین مرقوم داشته‌اند: شکل‌گیری اندیشه تشکیل جهاد سازندگی و اینکه مهندسی این گام موثر و عظیم در انقلاب از آن چه کسی بود به ملاقات امام با دانشجویان در اوایل خرداد ۵۸ که طی آن و در گفت‌وگویی دوجانبه امام راه‌حل‌هایی را برای برطرف کردن مشکلات ارائه می‌دادند اشاره می‌کنیم: [بروید دعوتشان کنید به دانشگاه، نشینند که من تعیین کنم... البته اگر مسائلی باشد که من هم از دستم برآید که خدمت بکنم، من خدمتگزارم و می‌کنم و اگر چنانچه اینها که گفتید باید به جایی رجوع بشود، بنویسید روی ورقه‌ای بدهید اینجا تا من با آنها صحبت کنیم تا درست بشود] در اینجا یکی از حاضران از طرح آماده شد [برای جهاد روستاها سخن به میان آورد.] امام فرمودند: [بله، این مورد تائید است.](صحیفه امام، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، جلد هشتم ص ۱۳۴- ملاقات گروهی از دانشجویان تهران، ۲۳ خرداد ۵۸)همان طوری که متن مورد استفاده فوق نشان می‌دهد جلسه‌ای در ۲۳ خرداد ۵۸ بین دانشجویان تهران و امام برای گفت‌وگو درباره مسائل مختلف کشور تشکیل می‌شود که یکی از حاضرین راجع به طرح جهاد روستاها سخن به‌میان می‌آورد و بلافاصله امام می‌فرمایند: «بله، این مورد تائید است.» این نشان می‌دهد که ایشان از قبل نسبت به طرح مطلع شده و آن را مورد تائید قرار داده بودند، به‌طوری که بلافاصله، بدون هر سئوال و پرسشی تائید خود را اظهار می‌دارند. علاوه بر این نشان می‌دهد که دانشجوی مذکور به احتمال زیاد از همان دانشجویان فعال در جلسات عصرهای جمعه نخست‌وزیری بوده و در جریان بحث‌ها و سپس ارائه طرح جهاد برای سازندگی به کنفرانس استانداران که حدود یک ماه قبل از آن ارائه و منتشر شده بود قرار داشته است. در ضمن باید به این نکته مهم توجه داشت که جهاد سازندگی تنها به روستاها محدود نمی‌شد و نقاط شهری محروم را نیز مورد توجه قرار می‌داد. به هرحال تا آنجا که اینجانب، به عنوان یک فرد مسئول، در جریان شکل‌گیری و آغاز به‌کار جهاد سازندگی بودم سعی کردم اطلاعات و مشاهدات و نقش خود را به‌طور مستند بیان کنم تا شاید به روشن‌تر شدن موضوع کمکی کرده باشم.

۴- جناب آقای سلیمی‌نمین موضوع پیشنهاد روز قدس از سوی آقای دکتر یزدی را مورد سئوال قرار داده و اظهار داشته‌اند: «از آنجا که آقای یزدی در مصاحبه با خبرگزاری فارس نیز مسائل مشابهی را مطرح کرده‌اند یا در کتاب خاطرات آقای محمدمهدی جعفری نیز به نقل از این فعال سیاسی ادعا شده که طرح روز قدس نیز از سوی ایشان به امام تسلیم شده است. علی‌القاعده مرکزی می‌بایست یادآور عدم انطباق این ادعاها با واقعیت‌های ثبت شده تاریخی بشود.» موضوع پیشنهاد روز قدس به امام (ره) به‌وسیله آقای دکتر یزدی و تائید و اعلام ایشان از همان سال ۱۳۵۸ برای من و امثال ما موضوع یا خبر جدیدی نبود و هستند کسانی که از ابتدای پیروزی انقلاب و دولت موقت در داخل حاکمیت حضور داشته و گذشته را به خاطر می‌آورند. به‌عنوان مثال می‌توانید از آقای دکتر غلامعلی حدادعادل که در آن زمان معاونت وزارت ارشاد را به‌عهده داشتند واقعیت این امر را سئوال بفرمایید. شادروان مهندس بازرگان نخست‌وزیر دولت موقت نیز در پیام روز قدس خود (۵۸/۵/۲۶) چنین می‌گوید: «تعیین چنین روزی به‌نام قدس، که بنا به پیشنهاد دولت موقت جمهوری اسلامی و پذیرش و دعوت عام امام و استقبال و اجابت تقریباً تمام ملل مسلمان جهان صورت گرفت...» موید پیشنهاد روز قدس از طرف دولت موقت (و وزیر امور خارجه آن) است. (مشکلات و مسائل اولین سال انقلاب از زبان مهندس بازرگان زمستان ۱۳۶۱) متاسفانه طی سال‌های گذشته بسیاری از واقعیت‌های مدیریت انقلاب در طول سال‌های ۵۶ و ۵۷ و همچنین رخدادهای دوران انتقال نظام در سال ۵۸ قلب و وارونه شده‌اند که اثبات خلاف واقع بودن آنها با موانع سختی روبه‌رو است، لذا مسئولیت تلاش برای یافتن حقیقت برای کسانی که در زمینه تاریخ معاصر به تحقیق و مطالعه مشغولند بسی سنگین‌تر شده است.

***معاون نخست‌وزیر در دولت موقت در امور همکاری‌های دولت و مردم**

خلاصه مقاله

۱- یکی از مبانی حرکت یا نهضت برای تشکیل جهاد سازندگی این بود که محبت و همبستگی را مبنای وحدت مردم قرار دهد، نه تنفر و تضاد را.

۲- متاسفانه پس از استعفای دولت موقت، جهادسازندگی که به صورت یک نهضت و جنبش داوطلبانه و خودجوش طراحی و ایجاد شده بود، به یک وزارتخانه رسمی تبدیل شد. این امر از یک سو باعث شد که جنبش جهاد سازندگی به یک نهاد و سازمان و بوروکراسی تبدیل شود و از سوی دیگر به‌علت تشابه فعالیت؟های آن با فعالیت سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی دیگر با آنها تضاد و تعارض پیدا کرد و موجب اخلال در انجام وظایف آنها شد.

خبرها

خاتمی: هیچ امکاناتی از دولت نمی‌خواهم

ایسنا: «سیدمحمد خاتمی» گفت: «برای شرکت در انتخابات خبرگان کاندیدا نمی‌شوم؛ برای اینکه کارهای دیگری دارم که در آنها بهتر می‌توانم انجام وظیفه کنم.» وی در عین حال افزود: «به عنوان یک شهروند و به عنوان یک مجموعه‌ای که در این جامعه و در درون یک نظام است، بنای همه ما این است که در انتخابات شرکت و با شناسایی افراد باصلاحیت و شایسته، آنها را معرفی کنیم. البته، همه چیز بستگی به این دارد که در نهایت دوستانی که برگزارکننده انتخابات هستند چقدر زمینه را فراهم و بدون سختگیری‌های بی‌جا و جهت‌گیری‌ها و اعمال نظرهای خاص، انتخابات را برگزار می‌کنند. امیدواریم که این زمینه فراهم شود. در حال حاضر قصد ما فقط شرکت در انتخابات است.» رئیس موسسه بین‌المللی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها در توضیحی درباره موسسه بین‌المللی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها با بیان اینکه ذهنش بیشتر از مسائل داخلی متوجه تعاملات خارج از کشور است، اظهار داشت: «علت توجه بیشتر من به خارج از کشور این است که قصد دارم گفت‌وگوی تمدن‌ها را با بیشتر بین کشورهای اسلامی شکل دهم.» وی ادامه داد: «تاکنون مرکز گفت‌وگوی تمدن‌ها چند جلسه خوب داشته و در آینده نیز جلسات دیگری برگزار می‌شود. امکانات ما در مرکز در حد صفر بوده و هیچ امکاناتی از دولت نگرفته و نمی‌خواهیم بگیریم. می‌خواهیم در این مرکز روی پای خود بایستیم. بنابراین فعالیت‌هایمان را به میزان امکاناتی که داریم تنظیم می‌کنیم. اهدافمان را نمی‌گوییم تا مبادا در آینده نتوانیم به آنها عمل کنیم، گام به گام پیش می‌رویم و فعالیت‌هایمان را ادامه می‌دهیم.»

ارزیابی کارنامه ستاد معین

آفتاب: «هادی خانیکی» از اعضای شورای سیاستگزاری ستاد دکتر معین در انتخابات ریاست‌جمهوری در سالگرد این انتخابات گفت: «دکتر معین به طور قطع توانایی پیشبرد اصلاحات را در جامعه و نظام سیاسی ایران داشتند و انتخاب ایشان از سوی جبهه مشارکت برای کاندیداتوری انتخابات دوره نهم ریاست‌جمهوری، انتخابی کاملاً صحیح بود.» وی اظهار داشت: «هر چند که در مورد روش‌های سیاسی و تبلیغاتی ستاد آقای دکتر معین نقدها و ارزیابی‌هایی وجود دارد اما انتخاب ایشان در آن مقطع از سوی حزب مشارکت صحیح‌ترین کار ممکن بود. ضعف اصلی این بود که به عمل به اقتضائات پدیده‌ای به نام انتخابات یعنی عملیاتی کردن و عمومی‌تر کردن شعارها و برنامه‌ها و فراهم آوردن امکانات سازماندهی انتخاباتی کمتر پرداخته شد.» عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت با اذعان بر «کمبود بیش از حد منابع و امکانات ستاد دکتر معین در انتخابات گذشته ریاست‌جمهوری» تاکید کرد: «اگر اختلافات اندک آرای کاندیداها در دوره اول انتخابات گذشته را در نظر بگیریم متوجه می‌شویم که به دست آوردن آرای بیشتر برای کاندیدای اصلاح‌طلبان کار چندان دشواری نبود. ضمن آنکه اگر کمبودهای ستاد دکتر معین را نسبت به اصلاح‌طلبان که دیر تصمیم گرفتند یا منفعلانه عمل کردند و نیز غیراصلاح‌طلبانی که از امکانات و سازماندهی فوق‌العاده استفاده می‌کردند، سرشکن کنیم می‌توان از عملکرد ستاد و حامیان ایشان دفاع کرد.»

دیدار با بزرگان اصلاحات برای ائتلاف

ایلنا: شورای هماهنگی جبهه اصلاحات در جلسه یکشنبه‌شب خود با تاکید بر انجام اقدامات و فعالیت‌های لازم برای دستیابی به ائتلاف فراگیر و اجماع مقرر کرد که در این راستا با «سیدمحمد خاتمی»، «مهدوی کروبی»، «اکبر هاشمی‌رفسنجانی» و «میرحسین موسوی» دیدار کند. «علی‌محمد حاضری» دبیر کنونی جبهه اصلاحات دراین‌باره گفت: «موضع جبهه اصلاحات و شورای هماهنگی این است که گلایه‌مندی‌های گذشته به دست فراموشی سپرده شود و معتقدیم همه باید با درس‌آموزی از گذشته، رو به آینده حرکت کنیم و نباید اجازه دهیم شکاف‌ها زنده شوند. در همین راستا قرار شد با همه شخصیت‌های تاثیرگذار، دیدار و بر ضرورت ائتلاف و رسیدن به راهکارهای مشترک در این زمینه تاکید شود. همچنین در این جلسه تلاش‌هایی که از جانب شخصیت‌های اصلاح‌طلب برای ایجاد ائتلاف آغاز شده است، مطرح و مورد حمایت و تاکید اعضا قرار گرفت و قرار شد شورای هماهنگی به عنوان شورایی که از ابتدا با هدف ایجاد هماهنگی و ائتلاف گروه‌های اصلاح‌طلب به وجود آمده است، در این فرآیند نقش حمایت‌آمیز و موثرتری ایفا کند.»

برنامه‌ای که شریعتی نداشت

آفتاب: اعظم طالقانی دبیر کل جامعه زنان انقلاب اسلامی معتقد است یکی از اشکالات دکتر شریعتی این بود که برنامه‌ای برای بعد از تغییرات ارائه نکرد. وی با بیان اینکه «دکتر شریعتی نقش بسیار مهمی در تنویر افکار عمومی داشت» افزود: «شریعتی تنها خطوط کلی را مطرح کرد اما برای بعد از تغییرات و اینکه بعد از اینکه انقلاب شد چه باید کرد، برنامه‌ای ارائه نداد.»

بی‌پاسخ‌ها

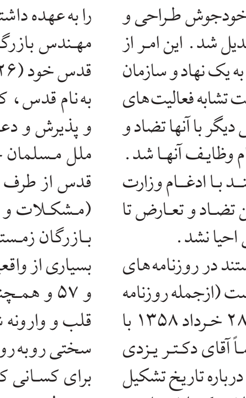

سارا شریعتی*: «چه نیازی به شریعتی؟» سئوال گنگی است. شریعتی خود یک‌بار چنین سئوالی را در خصوص امام علی پرسید (چه نیازی به علی؟) و بدان پاسخ داد. من اما نمی‌توانم مخاطب این سئوال باشم و ناخودآگاه می‌پرسم که کدام شریعتی؟ در پاسخ به این سئوال بیشتر مایلم سئوال را تجزیه کنم و مثلاً از قول یکی بگویم که «چه نیازی به شریعتی؟ هیچ! نیازی به شریعتی نیست.» و بلافاصله از خودم می‌پرسم پس چرا این مردم هر سال بیشتر از قبل دارند به مناسبت‌ها می‌افزایند؟ اگر بیست سال پیش تنها ۲۹ خرداد، سالروز شهادت او را بزرگداشت می‌گرفتند به تدریج ۲۶ اردیبهشت، روز هجرت، ۲ آذر روز تولد، و روز معلم ... نیز دارد افزوده می‌شود؟ پس چرا فراموشش نمی‌کنند؟ حتی منتقدان، حتی مخالفان. هر کسی، به هر مناسبت و بی‌مناسبتی، به شریعتی می‌پردازد و با او تعیین تکلیف می‌کند. چرا نمی‌توانند از شریعتی صرف‌نظر کنند؟ نمی‌توانند ندیده‌اش بگیرند؟ در اینجا دیگر از جایگاه و افکار و آرای شریعتی فراتر می‌رویم و به «خود شریعتی» می‌رسیم، به انسانی که شریعتی بود، به نسبتی که با مردم و مطالباتشان برقرار کرد، به یک تجربه وجودی منحصر به فرد. به شریعتی که مردم تملک کرده‌اند، صاحب شده‌اند و از این رو به‌رغم زمان و زمینه، تحمیلش می‌کنند. دوستی یک‌بار نوشته بود: «امروز ۲۹ خرداد است، شده است بگویم فردا ۲۹ خرداد است، ولی هیچ‌گاه ولی نگفته‌ام، دیروز ۲۹ خرداد بود.» این پاسخ سئوال شماست. زمان مرگ شریعتی هنوز در جامعه ما فرا نرسیده است. شاید امروز باشد، شاید فردا، اما مسلماً دیروز نیست! ما هنوز مرگ اجتماعی شریعتی را تجربه نکرده‌ایم. در نتیجه قبل از آن‌که بخواهیم به شکل تجویزی و تبلیغی از «چه نیازی به شریعتی» سخن بگوییم، باید به این پرسش بیندیشیم که علت حضور شریعتی، نزدیک به ۳۰ سال پس از رفتن وی، در متن مردم و هم در فضای فکری جامعه چیست؟ شما در خصوص مناسبت اندیشه‌های شریعتی در دوران نهضت پرسیده‌اید، از این‌که کدام تصویر و کدام یک از آرای او امروز کارآمدتر است، من اما ترجیح می‌دهم به جای تجزیه افکار او و گزینش در آن، به جای تاکید بر یک تصویر او و تحلیل مناسبت آن، به کل تجربه شریعتی ارجاع دهم، به «هستی شریعتی» که بزرگداشت او را تمدید می‌کند و از ۲۹ خرداد، نه «روز وداع» که یک «قرار ملاقات» می‌سازد. من به سئوالات شما پاسخ نمی‌دهم، یک‌بار این کار را کردم، پارسال بود که به «تصویر شریعتی دانشگاهی»، به «تصویر شریعتی جامعه‌شناس» پرداختم و بعد، در مقام خواننده و در مقام دفاع از آنچه نوشته بودم، یاد جمله‌ای از کسی افتادم در مورد باخ که می‌گفت: ما محکومیم که به باخ خیانت کنیم. چون هر جای کار او را می‌گیریم، ناگزیر وجه دیگرش را اغماض می‌کنیم... و این حکم در مورد شریعتی چه صادق است! در سخن گفتن از آرای شریعتی، ما محکومیم که به او خیانت کنیم. یک نیم‌رخ را برگزینیم و چهره تمام‌رخ او را ندیده بگیریم. شریعتی اما امروز، تمام‌رخ ما را به مواجهه می‌خواند! در یک کلام، «چرا شریعتی؟» به هزار و یک دلیل! برای آشنایی با هزارش، به سخنرانان امروز ارشاد ارجاع می‌دهم، و در اینجا تنها همان یک دلیل آخرش را یادآوری می‌کنم؛ به دلیل خودش!

***متن ارائه شده به خبرگزاری ایسنا**

وزارت امور خارجه
دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی

«فراخوان مقاله»
«سومین همایش نفت و سیاست خارجی»
تهران، سه شنبه ۲۸ آذر ۱۳۸۵

منابع نفت و گاز، ظرفیت تولید، نحوه استفاده و توسعه و تجهیز صنعت نفت و پتروشیمی همواره با سیاست خارجی ایران در تعامل مستقیم بوده و سیاست خارجی نیز با برخورداری از قدرت و توان متفکرین و برنامه ریزان آن همواره سعی داشته است که از این ذخایر طبیعی در جهت تامین هرچه بهتر منافع ملی در بالاترین سطح ممکن استفاده نماید.

همایش ((نفت و سیاست خارجی)) با هدف بررسی تاریخی آنچه که دست اندرکاران دو بخش مزبور انجام داده اند و نیز ارائه طرح هایی برای آینده این دو مجموعه، سومین گردهمایی خود را در روز سه شنبه مورخ ۱۳۸۵/۹/۲۸ با موضوعات ذیل مورد بحث و بررسی قرار خواهد داد.

موضوعات تاریخی: ۱. نفت و سیاست خارجی در دوران جنگ تحمیلی؛ ۲. نفت و سیاست خارجی در دوران سازندگی؛ ۳. نفت و سیاست خارجی در دوران اصلاحات؛ ۴. نحوه مقابله صنایع نفت و پتروشیمی با تحریم های بین المللی

موضوعات کاربردی: ۱. بررسی پتانسیل همکاری نفتی ایران و عراق در جهت توسعه روابط؛ ۲. چگونگی استفاده از حوزه های مشترک نفت و گاز خلیج فارس در جهت سیاست خارجی؛ ۳. نقش دیپلماسی در توسعه صدور خدمات مهندسی نفت؛ ۴. بررسی آینده اوپک در مذاکرات WTO؛ ۵. امکان اقتصادی و سیاسی تشکیل حلقه لوله های گاز در منطقه با مشارکت کشورهای درگیر.

از اساتید، محققان و علاقمندان جهت ارائه مقاله در یکی از موضوعات فوق دعوت می شود خلاصه مقاله خود را تا اول مرداد ۱۳۸۵ جهت بررسی کمیته علمی همایش ارسال دارند.

تلفن: ۵-۲۲۸۰۲۶۷۱ داخلی ۲۷۳ دورنگار: ۲۲۸۰۲۶۴۹ پست الکترونیکی: strategic@ipis.ir

خبرها

جبهه مشارکت و پیگیری پروژه ائتلاف

ایسنا: «سیدصفدر حسینی» رئیس دفتر دائمی انتخابات جبهه مشارکت درباره برنامه این حزب برای انتخابات آتی گفت: «در انتخابات خبرگان یا هر انتخاباتی، امکان همکاری و مشارکت جمعی با هر گروهی که هویت اصلاح‌طلبی داشته باشد، وجود دارد، اما شرط مهم، داشتن هویت اصلاح‌طلبی است. نگاه ما در بحث انتخابات این است که جبهه اصلاحات با هویت اصلاح‌طلبی وارد شود و فهرستی که ارائه خواهیم داد یک فهرست اصلاح‌طلبانه باشد؛ بنابراین در انتخابات خبرگان، سیاست جبهه مشارکت این است که کار را به مجمع روحانیون مبارز واگذار کند، ما بررسی و از کاری که آنها می‌کنند حمایت می‌کنیم؛ به نظر من همه گروه‌های اصلاح‌طلب در یک گروه جمعی می‌توانند در کنار یکدیگر قرار بگیرند و ائتلاف بزرگی از اصلاح‌طلبان را شکل دهند.» حسینی با بیان اینکه «همه کشور در اختیار اصولگرایان است»، گفت: «آنها نگرانند از اینکه اگر اولین سنگر را در انتخابات شوراها از دست بدهند، ممکن است سنگر بعدی را نیز از دست بدهند.» وی افزود: «سیاست حزب مشارکت در ارتباط با انتخابات به عنوان پروژه‌ای که می‌تواند مبنای همکاری جمعی اصلاح‌طلبان باشد، ائتلاف است. در واقع سیاست کلی جبهه مشارکت در بحث انتخابات، حرکت به سمت همگرایی با سایر گروه‌ها، احزاب و تشکل‌های اصلاح‌طلب است. ما این پروژه را تعقیب می‌کنیم و اعتقاد داریم که طبق آنچه شرایط موجود کشور ایجاب می‌کند، نقدهای ما باید سازنده و مفید باشد، اما باید توجه کنیم بسترهای اجتماعی اصلاح‌طلبان با نقدهای تند، به شکاف تبدیل نشود، بلکه باید این شکاف‌ها را ترمیم و به سوی همگرایی و همدلی بیشتر حرکت کنیم. همه با توجه به سرنوشت کشور و توجه به اهداف باید سعی کنیم این سیاست را با هویت و اندیشه اصلاح‌طلبی دنبال کنیم.»

نبود ائتلاف عامل شکست

آفتاب: «محمد هاشمی» دبیر کمیته سیاسی حزب کارگزاران سازندگی گفت: «ضربه‌ای که اصلاح‌طلبان خوردند از تفرقه بود و اگر از اول در انتخابات به صورت جمعی شرکت می‌کردند، طبعاً همیشه برنده بودند.» هاشمی با هشدار به اصلاح‌طلبان تاکید کرد: «با تک‌صدایی پیروزی نهایی شکل نمی‌گیرد.» «سهیلا جلودارزاده» عضو شورای مرکزی حزب اسلامی کار نیز با تاکید بر لزوم ائتلاف، گفت: «در ائتلاف باید همبستگی و همدلی باشد. اصلاح‌طلبان تاکنون بارها طعم تلخ عدم ائتلاف و همدلی و همگرایی را چشیده‌اند. شکست در انتخابات ریاست‌جمهوری اوج تجربه تلخ اصلاح‌طلبان بود چه آنکه آنها با معرفی چهار کاندیدا سبب تقسیم آرای اصلاح‌طلبان و در نتیجه شکست در انتخابات شدند.» «فیض‌الله عرب‌سرخی» عضو شورای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی نیز گفت: «با توجه به اینکه عدم وجود ائتلاف در طیف‌های مختلف سیاسی منتهی به تشتت آرا می‌شود، باید بتوانیم در جبهه اصلاحات با مراعات نظرات گروه‌ها به ائتلاف برسیم.»

انتقاد کروبی از تخریب اعتماد ملی

ایلنا: «مهدی کروبی» در جلسه یکشنبه‌شب شورای مرکزی این حزب گفت: «عده‌ای بیرون از حزب و در برخی از جراید هستند که درصدد تخریب و تضعیف حزب عمل می‌کنند، این نشان‌دهنده قدرت و پویایی حزب است.» کروبی با بیان اینکه «نظام ما متکی به مردم و آرای مردم است، بنابراین احزاب باید در انتخابات فعال باشند» افزود: «اعضای هیچ تشکلی به اندازه حزب اعتماد ملی، متعهد، منسجم و همدل نیستند و این اتحاد، انسجام و همدلی باید حفظ شود.» کروبی در خصوص ائتلاف نیز گفت: «من بیشتر از همه دنبال ائتلاف هستم اما ائتلاف با نیروهای موثر و فعال و مقتدر اصلاح‌طلبان واقعی نه با افراد فرصت‌طلب. خود بنده در جلسات ائتلاف شرکت خواهم کرد اما همین‌طور که مطرح کردم ما با احزاب موثر و فعال ائتلاف می‌کنیم.»

توانا رفع توقیف شد

ایسنا: ایرج رستگار مدیر مسئول هفته نامه توقیف شده «توانا» از سوی شعبه ۱۰۸۳ دادگاه عمومی تهران به پرداخت ده میلیون ریال جزای نقدی بدل از ۴ ماه حبس تعزیری محکوم شد. دادگاه نشریه توانا ۳۱ اردیبهشت ماه با شکایت مدعی‌العموم برگزار شد و در کیفرخواست صادره، اتهامات ایرج رستگار، توهین به مسئولان و چند مورد تبلیغ علیه نظام عنوان شده بود. هیات منصفه دادگاه مطبوعات نیز پس از برگزاری دادگاه، در مورد یکی از شکایت‌های مدعی‌العموم تحت عنوان توهین به مسئولان وی را با اکثریت آرا مجرم تشخیص نداد و در مورد اتهام تبلیغ علیه نظام، متهم را با اکثریت آرا مجرم تشخیص داد و وی را مستحق برخورداری از تخفیف در مجازات دانست. قاضی حسینیان نیز پس از مطالعه و بررسی پرونده، مدیر مسئول هفته‌نامه توفیق شده توانا را درخصوص اتهام توهین به مسئولان نظام، تبرئه و در چند مورد اتهام دیگر دایر بر تبلیغ علیه نظام وی را به پرداخت ده میلیون ریال جزای نقدی بدل از ۴ ماه حبس تعزیری محکوم کرد.

گروه‌های قیم‌مآب کدامند

آفتاب: «علی شکوری‌راد» عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت با انتقاد از اظهارات اخیر مهدی کروبی دبیر کل حزب اعتماد ملی در مورد گروه‌های قیم‌مآبی که نمی‌توان با آنها ائتلاف کرد گفت: کلی صحبت‌کردن کمکی به حل مشکل نمی‌کند و انتظار می‌رود آقای کروبی با همان گروه‌هایی که از آنها انتقاد دارند، صحبت کنند و اگر انتقادی وجود دارد، راه برون‌رفت از آن را نیز باید ترسیم کنند.» از سوی دیگر رسول منتجب‌نیا قائم مقام حزب اعتمادملی با تقسیم گروه‌های اصلاح‌طلب به دو دسته فعال و غیر فعال گفت: «اولاً باید مشخص شود در جناح اصلاح‌طلب چه گروه‌هایی فعال و بین مردم اثر گذارند و از سوی دیگر چه گروه‌هایی فعال نیستند و تنها به چند نفر داخل گروهشان منحصر می‌شوند.» منتجب‌نیا سخنان کروبی مبنی بر «تلاش برخی گروه‌ها برای قیم‌شدن» را بدین شکل تشریح کرد: «برخی افراد یا گروه‌ها در دوران اصلاحات خود را قیم مردم و اصلاح‌طلبان می‌دانستند و با تندروی و اشتباهات به پیکره اصلاحات ضربه وارد کردند. این گروه‌ها شایستگی آن را ندارند در بین گروه‌های اصلاح‌طلب به عنوان گروه‌های اثرگذار و محوری مطرح باشند.» قائم مقام حزب اعتمادملی گروه‌های «قیم‌طلب» را «غیرقابل ائتلاف» دانست و افزود: «اما با بقیه گروه‌ها می‌شود کار کرد و باید هم کار شود، هیچ فرد و گروهی در جبهه اصلاحات نمی‌تواند ادعا کند من به صورت منفرد فعالیت می‌کنم و با گروه‌های دیگر فعالیت نمی‌کنم.»